



شهد زیارت

www.ketab.ir

دکتر احد فرامرز قراملکی

سرشناسه: فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور: شهید زیارت / تألیف احد فرامرز قراملکی.
مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶-۶۵۴-۱.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: علی بن موسی علیه السلام، امام هشتم، ۹۱۵۳ -- ۲۰۳ق. -- آداب و رسوم.
موضوع: زیارت و زائران -- آداب و رسوم.
شناسه افزوده: یداللهی، عبدالحسین، ۱۳۵۵ -، ویراستار.
شناسه افزوده: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
رده دیویی: ۲۹۷/۹۵۷.
رده کنگره: BP ۲۶۴/۲.
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۴۰۵۱۴.

www.ketab.ir



شهید زیارت

دکتر احد فرامرز قراملکی

ویراستار: عبدالحسین یداللهی

صفحه‌آرا: عبدالحسین یداللهی

طراح جلد: علیرضا وکیلی

چاپ اول ۱۴۰۲ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، رقعی / بها: ۷۴۰,۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۸۰۳

www.astanbook.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹.....	یادداشت
۹.....	زیارت: پیدای نهران
۱۳.....	زیارت پژوهی: دشوارِ آسان
۱۵.....	سلوک عقلی و سلوک عینی
۲۲.....	فصل اول: زیارت به مثابه رفتار ارتباطی
۲۳.....	زیارت نسبت میان ائمه و طهارت شونده
۲۳.....	ارتباط فراتر از رابطه
۲۴.....	رابطه نسبت مندی و ارتباط
۲۶.....	زیارت رفتار ارتباطی مرکب
۲۹.....	ارتباط از نزدیک یا ارتباط نزدیک
۳۰.....	شرط ارتباط در زیارت
۳۰.....	تمایز زیارت و شیوه آن
۳۳.....	فصل دوم: عشق زنده
۳۳.....	مؤلفه اول: زیارت در گفتمان شیعه
۳۴.....	زیارت به مثابه عبادت
۳۴.....	مؤلفه دوم: ارتباط زائر با اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۴۳.....	فصل سوم: زیارت به مثابه سفر
۴۴.....	سفر از و سفر در
۴۵.....	نقطه آغاز زیارت
۴۷.....	یک، نیت

- ۴۷.....نیت چیست؟
- ۵۰.....نیت، هدف و فایده
- ۵۰.....دام هدف پنداری فایده
- ۵۳.....دو، پاکیزگی
- ۵۶.....سه، حرکت به سوی او
- ۵۶.....چهار، ادب اجازه خواهی
- ۶۱.....فصل چهارم: سلوک درونی و تجربه حضور
- ۶۱.....گفتگوی صمیمی
- ۶۳.....خواندن زیارت نامه
- ۶۵.....سلوک درونی
- ۶۶.....تجربه چهار
- ۶۹.....دعا و مناجات
- ۷۰.....در اشک
- ۷۲.....فصل پنجم: اشک رمزناک
- ۷۳.....گوناگونی گریه
- ۷۴.....یک، گریه کودک
- ۷۵.....دو، گریه از غم و شادی این جهانی
- ۷۶.....سه، گریه فریب
- ۷۷.....چهار، گریه معنوی
- ۷۸.....گونه های گریه معنوی در زیارت
- ۷۸.....الف) گریه شوق دیدار
- ۸۰.....ب) گریه همدلانه با مظلومیت تاریخی
- ۸۱.....ج) گریه بر حرمان خویش
- ۸۲.....د) گریه بازگشت از بیراهه
- ۸۳.....ه) نردبان آسمان

۸۵سبک‌بالی
۸۷فصل ششم: از مواجهه معرفتی تا مواجهه وجودی
۸۸مواجهه‌های گوناگون با معصوم <small>علیه السلام</small>
۸۸یک، مواجهه معرفتی
۸۹دو، مواجهه عاطفی
۹۰سه، مواجهه کنشی یا رفتاری
۹۲چهار، مواجهه مناسکی
۹۳پنج، مواجهه منشی و شاکله‌ای
۹۳شش، مواجهه انگاره‌ای
۹۵هفت، مواجهه تجربه‌ای
۹۶هشت، مواجهه وجودی
۱۰۰فصل هفتم: زیارت به مثابه...
۱۰۱زیست این جهانی آدمی
۱۰۱توان‌های آدمی
۱۰۲یک، توان زیست سالم
۱۰۳دو، توان شاد زیستن
۱۰۳سه، توان آزاد زیستن
۱۰۶چهار، توان زیست هوشمندانه
۱۰۶پنج، توان خیرخواهی و زیست اخلاقی
۱۰۷شش، توان مراقبت از توان‌ها
۱۰۸نیاز آدمی به مراقبت
۱۱۰مراقبت چیست؟
۱۱۱سرآمدی چیست؟
۱۱۲مراقبت‌خواهی در زیارت
۱۱۲یک، مراقبت در سلامت جسمانی، روانی و ذهنی

- ۱۱۴ دو، مراقبت در هدایت.....
- ۱۱۵ سه، مراقبت از کرامت انسانی.....
- ۱۱۶ چهار، مراقبت وجودی.....
- ۱۱۶ مراقبت دو سویه.....
- ۱۱۸ فصل هشتم: زیارت و حاجت.....
- ۱۲۰ درخواست از خدا به شفاعت یا حرمت معصوم علیه السلام.....
- ۱۲۱ برآورده شدن حاجت.....
- ۱۲۶ ادب حاجت خواهی.....
- ۱۲۶ یک، سپاسگزاری.....
- ۱۲۷ دو، خودداری از حرص.....
- ۱۲۸ سه، دوری از بدگمانی.....
- ۱۲۹ چهار، با دهانی که سجده می تو گناه.....
- ۱۳۰ پنج، خواستن از سر در.....
- ۱۳۱ از ولی خدا چه بخواهیم.....
- ۱۳۵ فصل نهم: از زیارت دوستدارانه تا زیارت عارفانه.....
- ۱۳۶ زائر دوستدار اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۳۸ پله پله به بام زیارت خالصانه.....
- ۱۴۰ زیارت و مودت رابطه دو سویه.....
- ۱۴۲ زیارت عارفانه.....
- ۱۴۳ ویژگی های زیارت دوستدارانه.....
- ۱۴۴ فصل دهم: برکات زیارت متعارف و زیارت متعالی.....
- ۱۴۴ ذو مراتب بودن زیارت.....
- ۱۴۶ تمایز زیارت متعارف و متعالی از جهت آثار و برکات.....
- ۱۴۶ الف) ثواب و برکات اخروی.....
- ۱۴۸ ب) زیارت ماندگار.....

- ج) زیارت تحول آفرین ۱۴۹
- یک، تعمیق و تصحیح عواطف ۱۴۹
- دو، افزایش معرفت دینی ۱۵۰
- سه، تحول رفتاری و خُلُقی ۱۵۰
- چهار، امعان در تعبد ۱۵۱
- پنج، اصلاح انگاره‌ها ۱۵۱
- شش، تجربه بی‌واسطه حضور ۱۵۲
- هفت، تحول وجودی ۱۵۲
- سخن پایانی: دام‌ها و رهنی‌ها ۱۵۶
- موانع درونی و بیرونی ۱۵۹
- موانع و رهنی‌های درونی ۱۶۰
- یک، اخلال در واجبات ۱۶۰
- دو، زیارت همراه با حرام ۱۶۱
- سه، آلودگی‌ها ۱۶۲
- چهار، تماشاگری مانع دیدار ۱۶۳
- پنج، هدف‌پنداری فایده ۱۶۳
- شش، رهنی القائنات شیطانی ۱۶۴
- هفت، رهنی غلو و تفریط ۱۶۴
- هشت، رشد سرطانی ۱۶۵
- نُه، ماندن در راه به پندار مقصد ۱۶۵
- منابع و مآخذ ۱۶۸

یادداشت

زیارت: پیدای نهان

زیارت را تجربه کرده ایم، از آن سخن گفته یا از آن شنیده ایم. کسانی از راه دور و نزدیک، به مکان مقدسی می روند تا کسی را زیارت کنند. می توان پرسید «چرا زیارت می کنند» یعنی چه؟ ماهیت زیارت چیست؟ آیا زیارت تجربه است یا کنش یا رخداد یا پدیدار؟ آیا زیارت گونه ای از مناسک دینی است که به زیارت او می روند، کیست؟ هدف از زیارت کدام است؟ آیا زیارت همان دیدار است؟ آیا زیارت همان گردشگری است؟ آیا زیارت تجربه واحدی است یا هر کسی که به زیارت می رود، تجربه خاصی می یابد؟

مشغول شدن به این پرسش ها ممکن است از زیارت آشنایی زدایی کند و ما را از این امر مأنوس دور و غریب سازد. گاهی انبوه درختان مانع دیدن جنگل می شود. هنر دیدن جنگل نیاز به آشنایی زدایی دارد. شاید این آشنایی زدایی در آغاز سبب حیرت شود، اما حیرت می تواند نیاز به شناخت ژرف تر و کامل تر را نشان دهد و راه را برای رسیدن به حقیقت زیارت هموار سازد. زیارت گونه های فراوان دارد.

گوناگونی زیارت پرسش از نسبت زیارت‌های گوناگون را با حقیقت زیارت طرح می‌کند. این پرسش مواضع کثرت‌گرایانه، حصرگرایانه و شمول‌گرایانه را نیز به میان می‌آورد.

واژه زیارت کاربردهای فراوان دارد. آیا «زیارت» به معنای واحد در همه کاربردها اطلاق می‌شود؟ زیارت در معنای لغوی اعم از هر گونه دیدار کسی از دیگری است. گاهی از رفتن به مزارها و دیدار اهل قبور، به زیارت تعبیر می‌شود. کاربرد خاص زیارت دارای معنای دینی یا قدسی است که در ادیانی مانند یهود، مسیحیت و اسلام رواج دارد. عده‌ای امروزه برای بهره‌مندی از جاذبه مفهوم قدسی زیارت، رفتن بر سر مزار اهل بیت را زیارت ادبی و رفتن بر سر مزار یا دیدار با جسد مومیایی سیاستمداران را هم زیارت سیاسی می‌خوانند. این کاربرد قلمرو غیردینی برای زیارت را به میان آورده است. آیا واژه زیارت در همه این قلمرو معنای واحد دارد؟

زیارت میل به رواج و اجتماعی شدن دارد. کثرت زیارت‌گفتمان‌های زیارتی گوناگون را ایجاد کرده است. زیارت در گفتمان یهودی با زیارت در گفتمان مسیحی تفاوت دارد. این تفاوت گاهی در گفتمان‌های درون‌دینی هم دیده می‌شود. در این نوشتار، از زیارت در گفتمان شیعی بحث می‌شود و هرگاه معنای دیگری در میان باشد به آن تصریح می‌گردد. زیارت در گفتمان شیعی با عصمت ارتباط مفهومی دارد؛ زیرا مراد از زیارت در گفتمان شیعه

دیدار با معصوم علیه السلام یا دیدار با کسی است که ارتباط وثیق با معصوم علیه السلام دارد. این تعریف شامل زیارت پیامبر نازنین اسلام، درود خدا بر او باد، دخت معصومش علیه السلام، ائمه اطهار علیهم السلام، فرزندان صالح آنان (امامزاده‌ها) و عالمان صالح دین و شهدا است که خود را وقف معارف معصومان علیهم السلام کرده‌اند. در اغلب موارد یادشده ایثار، کرامت و شهیدبودن زیارت‌شونده فضیلت مشترک بین آنان است.

در تصدّی مدیریت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی فرصتی برای تجربه زیارت امام رضا علیه السلام و درنگ و مطالعه در زیارت در گفتمان شیعی به دست آمد. زیارت در گفتمان شیعه از جهات فراوانی؛ مانند انگیزه و کیفیت ارتباط با زیارت‌شونده، گوناگون است. به عنوان نمونه، کسی به عادت؛ دیگری به حاجت، سومی به عبادت، دیگری در جستجوی حقیقت، راهی زیارت می‌شود. کسی هم ممکن است که پشت به معصوم علیه السلام به زیارت برود! چگونه؟ شخصی که با اندیشه غلو به زیارت می‌رود، به ظاهر رو به حرم دارد، اما در گفتار و کردار شرک‌آمیزش پشت به معصوم علیه السلام است. اگر کسی با اموال غارت‌کرده از مردم یا از اختلاس ثروت عمومی به زیارت می‌رود، او به ظاهر رو به معصوم علیه السلام دارد، اما در حقیقت همیشه پشت به معصوم می‌رود و هرچه بیشتر و سریع‌تر رود، دورتر می‌افتد. نمونه دیگر، کسی است که با قصد جیب‌بری وارد خیل زائران می‌شود و تمام توجه خود را صرف یافتن فرصتی برای سرقت می‌کند.

البته در آموزه‌های اسلامی، جز خدا و معصوم علیهم‌السلام (که خبر او هم به اذن و علم از جانب خدا است) نمی‌تواند خبر دهد که پرونده کسی بسته شده و تا ابد دور رانده شده است: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ (جن/۲۶ و ۲۷). هر کسی در عمر خود فرصت بازگشتن و رو به سوی دوست نهادن دارد.

گاهی کرم و مهربانی زیارت‌شونده سبب می‌گردد تا از خدای سبحان بخواهد روی بنده عاصی را به طرف خود بگرداند و با توفیق توبه او را از زائرانی قرار دهد که رو به سوی دوست زیارت می‌کنند.

کسی که در جرم و گم‌گشتگی است، گرچه به ظاهر هم سوی نور رود، در واقع پشت به دوست زیارت به معنای درست کلمه آن است که فرد به قصد دیدار زیارت‌شونده رو به سوی او کند. در زیارت، دوستداری رو به محبوب خود به دیدار او می‌رود. رو به سوی او داشتن داریم تا رو به سوی او داشتن.

زیارت، پدیداری لایه به لایه است و هر کس بر حسب ظرفیت و توان خویش لایه‌ای از آن را تجربه می‌کند. تجربه زیارت طیفی است که یک سوی آن زیارت متعارف و دیگر سوی آن زیارت متعالی قرار دارد. البته هر دو طرف دارای درجه‌های گوناگون است. گاهی زیارت

۱. حیرت بر دو گونه است: گم‌گشتگی برآمده از ناشناخت و باریافتگی. در مباحث آینده تمایز این دو بیان می‌شود.

متعارف، زمینه‌ای برای دستیابی فرد به تجربه زیارت متعالی می‌شود.

عاشقی گر زین سر و گرزان سراسر است عاقبت ما را بدان سر رهبر است^۱

زیارت پژوهی: دشوارِ آسان

مطالعه زیارت هم مانند خود زیارت، اهداف و شکل‌های گوناگون دارد. گاهی پژوهشگران به توصیف و تبیین زیارت و ارتباط آن با روان یا نهادهای اجتماعی می‌پردازند، گاهی فهم حقیقت زیارت گم‌شده پژوهشگر است. توصیف و تبیین زیارت جنبه‌ای از زیارت را وامی‌نماید و جنبه‌های دیگر را از چشم محقق دور می‌سازد. زیارت پژوهی در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون علوم رخ می‌دهد و اغلب، به صورت هشیارانه یا ناهشیار، از پیش فرض‌های پیدا و نهان آب می‌خورد. فهم زیارت، در پی فهم خود تجربه زیارت است، آن‌گونه که رخ می‌دهد. چگونه می‌توان به چنین فهمی رسید؟

ممکن است، کسی همچون رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) توصیه کند که پیش فرض‌های ذهنی را باید کنار نهاد. امروزه می‌دانیم که تخلیه ذهن از پیش فرض‌ها ناشدنی است و توصیه روشی دکارت پند بیهوده است^۲. پدیدارشناسان، «اپوخه» یا به تعلیق درآوردن

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۱۱۱.

۲. تحلیل مفهوم و پیامدهای پند بیهوده را نک: برخوردار، زینب، پند بیهوده،

پیش فرض‌ها را توصیه می‌کنند. کسانی گفتگوی بین رشته‌ای را چاره کار می‌دانند.

نگارنده در این اثر، دو شیوه را پیش روی خود می‌نهد تا بتواند به فهم حقیقت زیارت نزدیک‌تر شود و از رهنمی پیش فرض‌ها در امان باشد. شیوه نخست، رویکرد کثرت‌گرایی روش‌شناختی است. در این شیوه انگاره‌ها و ایده‌هایی که تجربه زیارت را بتوان در آینه آن‌ها بهتر دید، به میان می‌آیند تا زیارت خود را به مثابه هریک از آن‌ها نشان دهد. وقتی از زیارت به مثابه سفر و سلوک یا عبادت یا عشق و دوستی یا مراقبت یا ارتباط گفتگو می‌شود، هدف آن نیست که گفته شود زیارت؛ یعنی سفر و پیوستن، زیارت؛ یعنی ارتباط و دیگر هیچ و ... بلکه هدف، بازنمایاندن زیارت در آینه‌های گوناگون است. هریک از این انگاره‌ها نقبی می‌شوند برای زرف‌نگاری و رؤیت هسته پنهان تجربه زیارت.

شیوه دوم، یاری خواستن از معصوم علیه السلام است. معصوم علیه السلام به زیارت معصوم دیگر رفته است و هم در باره زیارت معصومان علیهم السلام راهنمایی کرده است. فعل و گفتار معصوم علیه السلام به شرط اعتبار سند، ما را به حقیقت زیارت رهنمون می‌کند.

سلوک عقلی و سلوک عینی

بین زیارت و مطالعه آن، دیوار نفوذناپذیر وجود ندارد. البته فهم تجربه زیارت متعالی دشوار است و دستیابی به آن نیازمند دو سلوک است: سلوک عقلی که به جای توصیف و تبیین جزم اندیشانه، با تحلیل مراتب مختلف زیارت، گام به گام از لایه های سطحی و نمودهای پوسته ای به لایه های درونی و هسته زیارت نزدیک می شود. این سلوک در هیچ لایه ای، مدعی کشف نهایی حقیقت زیارت نیست، بلکه فرض سلوک عقلی بر احتمال تجربه ای نو و متفاوت از زیارت است. زیارت معصوم از معصوم را می توان مرتبه ای نهایی دانست. این مرتبه از تجربه زیارت برای غیرمعصوم دست نیافتنی است. سلوک عقلی در زیارت همان زیارت نامه های ماثور و روایات در باره زیارت، شیوه زیارت معصوم از معصوم استخوان می دهد.

شناخت این شیوه، می تواند سلوک دیگری را رقم بزند: سلوک عینی یا راهی دیدارشدن. سلوک عینی ظاهری و باطنی دارد. ظاهر آن پیمودن راه و پشت سر نهادن شهرها است و باطن آن سلوک انفسی است: برون آمدن از نفس اماره و مسوله به نفس لوامه و از آن به نفس فاضله و سایر مراتب. هر دو سلوک گام به گام به تجربه زیارت متعالی و عارفانه نزدیک می شود. بدون تجربه عینی از زیارت، فهم لایه های سطحی زیارت آشکار نمی شود. تجربه زیارت، همانند تجربه عشق، چشیدنی است. ایات زیر که شیخ بهایی از عبدالله

بن أسباط قیروانی نقل می کند^۱، بر تجربه زیارت هم صدق می کند:
 قال الخلیّ الهوی محال فقلت: لو ذقتَه عرفتَه
 فقلت من بعد کُلِّ وصفٍ: لم تعرف الحُبَّ إذ وصفته
 کسی که از تجربه عشق بهره ای نداشت، گفت: عشق محال است.
 به او گفتم: عشق را اگر بچشی، می شناسی.

پس از توصیف فراوان گفتم: وقتی عشق را توصیف کنی، هنوز آن را
 نشناختی.

فهم زیارت متعالی، فراتر از توصیف و تحلیل، سلوک عینی
 می خواهد تا سالک گام به گام مراتب زیارت را تجربه کند و به مرتبه
 متعالی دست یابد. هشتاد حاضر، سلوک عقلی را در پیش دارد.
 آنچه در این سلوک به دست می آید، با زبان صمیمی عرضه می شود.
 ادعای فهم و شناخت حقیقت زیارت در میان نیست، بلکه به
 مشارکت گذاشتن فهمی از زیارت از زوایای گوناگون است.

اصطلاح «زیارت متعالی» در سخنان تولیت اندیشمند و فرزانه
 آستان قدس رضوی، حجة الاسلام و المسلمین احمد مروی مورد
 اشاره قرار گرفت. پیش از این، دو فیلسوف مؤثر در تمدن اسلامی؛
 ابوعلی سینا و ملاصدرا، طرح گذار از فلسفه متعارف به فلسفه
 متعالی را ابراز کردند، هرچند ملاصدرا در تأسیس حکمت متعالی

۱. بهایی، محمد بن حسین، الکشکول، ج ۱، ص ۱۰۲.

کامیاب شد. واژه «متعالی» تبار چند هزار ساله دارد. در زبان‌های هند اروپایی واژه «آر» بر برتری و شریف بودن دلالت دارد. اسم آریا از همین ریشه است. اریستو کراسی و ارسطو طالس هم از همین واژه مشتق می‌شوند. این واژه در تمدن یونانی از حوری‌ترین مفاهیم است. مترجمان اولیه متون یونانی به عربی، واژه فضیلت را در ترجمه آن آورده‌اند. در انگلیس و فرانسه هم قریب به همین ترجمه به میان آمد. تحقیقات بعدی نشان داد، واژه انگلیسی (excellency) نزدیک‌ترین واژه به این مفهوم است. مفهوم کرامت، مکرمه و کریم به این مفهوم نزدیک‌تر است. امروزه در زبان فارسی، واژه سرآمدی را معادل همین تعبیر می‌دانند. مفهوم سرآمد یا متعالی، به برترین مرتبه از حقیقت دارای درجه و مراتب اشاره می‌کند.

اهمیت جهت‌گیری به سوی سرآمدی در این است که به تعبیر جیمز کالینز، خوب دشمن عالی است^۱. فرزاندگی در تلاش برای حرکت از خوب به عالی است. حقیقت زیارت دارای درجه‌های گوناگون است. زائر به هر مرتبه‌ای از زیارت که دست می‌یابد، ضمن آنکه این کامیابی را توفیق الهی می‌داند و شکرگزار آن است، خواهان دستیابی به مرتبه برتر است. مفهوم غنی زیارت متعالی، نویدبخش تحوّل مستمر و بالندگی پایدار در دیدار مشتاق زیارت معصوم علیه السلام است.

۱. کالینز، جیم، از خوب به عالی، فصل نخست، ص ۹.

واژه زیارت متعالی در روایات یافت نشد، اما می توان گفت: مفهوم تعالی در زیارت، برگرفته از آموزه های ائمه علیهم السلام است. در روایاتی صحیح از زیارت معصوم علیه السلام با عرفان به حق معصوم یاد می شود. ابتدا چند نمونه گزارش می گردد^۱ تا دلالت این روایات صحیح بر زیارت متعالی بحث شود.

در امالی و عیون اخبار الرضا علیه السلام در روایتی صحیح از بزنتی نقل می شود: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ زَنْطِي قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ: مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي عَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا تَشَفَّعْتُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» کسی از دوستان من در حالی که عارف به حق من است، به دیدار من تشرف نیابد، مگر آنکه در روز قیامت وی را شفاعت کنم.

ابن قولویه رحمته الله روایت صحیح دیگری از بزنتی چنین گزارش می کند: «نوشته امام رضا را می خواندم که [فرمود:] به شیعیان من ابلاغ کن! زیارت من در روز رستاخیز [نزد خدا] با هزار حج برابری

۱. روایات مورد گزارش را مهدی خدامیان آرانی به تفصیل در دو کتاب، مورد تحلیل سندی قرار داده است. برای حفظ اختصار به دو اثر وی ارجاع داده می شود: خدامیان آرانی، مهدی، الصحیح فی فضل الزیارة الرضویة، ص ۲۳؛ همو، الصحیح فی فضل الزیارة الحسینیة، ص ۷۴.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (صدوق)، ص ۱۱۹، ح ۴؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۸، ح ۱۶.

می‌کند. [به امام جواد علیه السلام] عرض کردم: یا ابا جعفر! آیا هزار حج؟ فرمود: بله، بلکه هزار هزار حج برای کسی که او را زیارت کند در حالی که عارف به حق اوست»^۱.

همچنین شیخ صدوق رحمته الله علیه صحیحۀ حسن و شاء را چنین گزارش می‌کند: «من مظلومانه و با سمّ کشته می‌شوم. هر کس که مرا زیارت کند در حالی که عارف به حق من است، خداوند گناهان پیشین و پسین او را ببخشد»^۲.

شیخ صدوق رحمته الله علیه صحیحۀ عبدالعظیم حسنی را از امام جواد علیه السلام نقل می‌کند: «بهشت برای کسی که پدرم را در طوس زیارت کند در حالی که عارف به حق اوست حتمی است»^۳.

۱. «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ بَرْنَطِي قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام: أُنْبِغُ شَيْعَتِي أَنْ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حِجَّةٍ - قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَلْفَ حِجَّةٍ قَالَ: إِي وَاللَّهِ وَ أَلْفَ حِجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ».

ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۳۰۶، ح ۹.

۲. «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوُشَاءِ قَالَ، قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام إِنِّي سَأُفْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا فَمَنْ زَارَنِي عَارِفًا بِحَقِّي غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ». ابن

بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۲۷.

۳. «عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: صَمِنْتُ لِمَنْ زَارَ أَبِي علیه السلام بِطُوسَ عَارِفًا بِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى». ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۷.

صحيحه عيينة بن ميمون به دو سند نقل شده است که امام صادق عليه السلام فرمود: «هر که به دیدار حسین بیاید در حالی که عارف به حق اوست، خداوند در اعلیٰ علیین ثبتش کند»^۱.

معرفت به حق معصوم عليه السلام مرز بین دو مرتبه از زیارت مقبول است: زیارتی خالصانه و با حفظ حدود شرعی، اما بدون معرفت حق معصوم عليه السلام و زیارتی خالصانه، با حفظ حدود شرعی و همراه با معرفت به حق معصوم عليه السلام. مرتبه نخست، از آن عموم است و مرتبه دوم، از آن خواص و خواص خواص. مرتبه نخست را به اعتبار آنکه از آن عموم است زیارت متعارف می‌توان نامید و زیارت متعالی نام شایسته مرتبه دوم است که در نمط عالی و مرتبه برتر قرار دارد. معرفت به حق معصوم عليه السلام خود دارای مراتب است و فوق هر مرتبه‌ای مرتبه دیگر است. بر حسب روایات صحیحی که گزارش شد، ائمه عليهم السلام بر زیارت همراه با معرفت به حق آنان ترغیب می‌فرمایند. این ترغیب در واقع ترغیب به زیارت در مرتبه‌ای فراتر و برتر و تشویق به تعالی یافتن زیارت است.

امید می‌رود این نوشتار کوتاه زمینه‌ای برای سیر عینی، سلوک

۱. «عَنْ عِيْنَةَ بَيْعِ الْقَصْبِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ». ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر،

انفسی و تحوّل وجودی در زیارت باشد. فهرست نوشتار از گزارش مباحث بی‌نیاز می‌کند. جای دارد که از دوست فاضل، جناب حجة الاسلام عبدالحسین یداللّهی، ویراستار نکته‌سنج و سخن‌شناس بنیاد پژوهش‌های اسلامی تشکر شود. ایشان فراتر از ویرایش ادبی در تکمیل مباحث و افزایش دقت مطالب همکاری خالصانه داشت.

پایان سخن همچو آغازش حمد الهی است.

احد فرامرز قراملکی

استاد دانشگاه تهران

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی

www.ketab.ir